نگاه

### فروپاشی رابطه قدیمی اسلام‌آباد و کابل

## متحد دیروز، دشمن امروز

آنچه امروز در تورخم و اسپین‌بولدک شعله می‌کشد، فقط آتش توپخانه نیست؛ شکست کامل راهبردی است که روزی طالبان را برای اسلام‌آباد «عمق راهبردی» می‌دید و حالا همان دارایی قدیمی را به تهدید شماره یک امنیتی تبدیل کرده است.

برای بخش بزرگی از سه دهه گذشته، پاکستان به طالبان افغانستان نه به چشم یک دردسر، بلکه به عنوان یک ابزار نگاه می‌کرد؛ ابزاری برای داشتن حکومتی همسو در کابل و مهار فشار هند از سمت غرب. همین نگاه بود که از حمایت اطلاعاتی از مجاهدین ضدشوروی در دهه ۱۹۸۰ شروع شد، در دهه ۱۹۹۰ به پشتیبانی از ظهور طالبان رسید و در فاصله ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ هم با میزبانی رهبران طالبان در کویته ادامه پیدا کرد. بازگشت طالبان به قدرت در آگوست ۲۰۲۱، در نگاه اول انگار تأیید همان راهبرد بود؛ اما خیلی زود ورق برگشت و امروز همان رابطه قدیمی به بدترین فاز خود رسیده است.

نقطه انفجار تازه، درگیری‌های مرزی اواخر فوریه ۲۰۲۶ بود؛ زمانی که زدوخوردهای دو طرف به چیزی رسید که وزیر دفاع پاکستان از آن با تعبیر «جنگ آشکار» یاد کرد. پاکستان گفت نیروهای طالبان به پست‌های مرزی این کشور حمله کرده‌اند و اسلام‌آباد هم با حملات گسترده هوایی و توپخانه‌ای در داخل خاک افغانستان پاسخ داده است. در سوی مقابل، مقام‌های طالبان گفتند حملات پاکستان به بگرام دفع شده و هم‌زمان به تأسیسات مهم نظامی پاکستان، ازجمله پایگاه نورخان در راولپندی و مواضعی در کویته و مناطق قبیله‌ای، با پهپاد ضربه زده‌اند. در این مرحله، دو طرف حتی در روایت کلی ماجرا هم دیگر زبان مشترکی ندارند؛ هرکدام خود را مدافع و طرف مقابل را آغازگر تجاوز معرفی می‌کند.

در مرکز این بحران، نامی ایستاده که سال‌هاست استخوان در گلوی رابطه کابل و اسلام‌آباد شده: تحریک طالبان پاکستان. این گروه از نظر سازمانی جدا از طالبان افغانستان بوده ولی از نظر فکری و ایدئولوژیک به آن نزدیک است و سال‌هاست علیه دولت پاکستان جنگیده. پس از عملیات‌های ارتش پاکستان در مناطق قبیله‌ای، بخش مهمی از نیروهای این گروه به آن سوی خط دیورند، یعنی داخل افغانستان، منتقل شدند. از ۲۰۲۱ به این سو، اسلام‌آباد بارها کابل را متهم کرده که به تحریک طالبان پاکستان و گروه‌های همسو اجازه داده از خاک افغانستان به عنوان پناهگاه و سکوی حمله استفاده کنند. طالبان این اتهام را رد می‌کند و می‌گوید اجازه نمی‌دهد از خاک افغانستان علیه کشور دیگری استفاده شود. اما عمق بحران نشان می‌دهد مشکل فقط یک تکذیب دیپلماتیک ساده نیست؛ در روایت موجود، طالبان یا نخواسته یا نتوانسته تحریک طالبان پاکستان را خلع سلاح یا اخراج کند؛ بخشی به‌خاطر نزدیکی فکری و بخشی نیز چون این گروه را به عنوان اهرم فشار در برابر پاکستان نگه داشته است. نتیجه روشن است: برای پاکستان، افغانستان دیگر «عمق راهبردی» نیست، یک «بار راهبردی» و منبع تهدید مستقیم است. از همین‌جا هم چرخه حملات هوایی پاکستان به خوست، پکتیکا و دیگر استان‌های شرقی از ۲۰۲۴ به بعد شدت گرفت و هر دور حمله، پاسخ مرزی و اکنون پاسخ پهپادی طالبان را در پی آورد.

#### خط دیورند؛ مرزی که هرگز حل نشد

اگر تحریک طالبان پاکستان موتور امنیتی بحران است، خط دیورند ستون تاریخی آن است؛ مرزی دوهزارو ۶۰۰ کیلومتری که بریتانیا در ۱۸۹۳ کشید و هیچ دولت افغان آن را رسما به عنوان مرز بین‌المللی نپذیرفت. قبایل پشتون دو سوی این خط زندگی می‌کنند و رفت‌وآمد تاریخی آنها همیشه فراتر از چک‌پوینت و ویزا بوده است. از ۲۰۱۵ به بعد، پاکستان تلاش کرد مرز را سخت‌تر و کنترل‌شده‌تر کند؛ حصار بکشد، گذرگاه‌ها را ببندد و تردد را محدود کند. طالبان، مثل دولت‌های پیشین افغانستان، این اقدامات را تعرض به خاک افغانستان و شکستن پیوند قبایل محلی دانسته است.

همین مسئله باعث شده حتی یک پروژه حصارکشی یا ساخت پست مرزی، جرقه درگیری شود. در فوریه ۲۰۲۳ تیراندازی سنگین اطراف گذرگاه تورخم چند روز این مسیر را بست. در اواخر ۲۰۲۵ نیز در اسپین‌بولدک تبادل آتش مرگ‌بار، هم نظامیان و هم غیرنظامیان را کشت و مردم محلی را آواره کرد. درگیری تازه، تکرار همان الگو در مقیاسی بزرگ‌تر است؛ یعنی در چند محور مرزی، با گلوله‌باران، پاسخ متقابل و تبدیل یک بحران موضعی به تقابلی سراسری‌تر. تا وقتی دو طرف حتی بر سر تعریف مرز توافق ندارند، هر حادثه کوچک می‌تواند به بحران کامل تبدیل شود.

شکاف سوم، سرنوشت میلیون‌ها افغان در پاکستان است؛ موضوعی که قبلا یک امتیاز انسانی و سیاسی برای اسلام‌آباد بود، اما در چند سال اخیر به اهرم فشار بدل شده است. پاکستان در ۲۰۲۳ «طرح بازگرداندن اتباع غیرقانونی» را اجرا کرد و از حدود ۱.۷ میلیون افغان فاقد مدرک خواست کشور را ترک کنند. تا اواخر ۲۰۲۵، بنا بر گزارش نهادهای وابسته به سازمان ملل، بازداشت و اخراج افغان‌ها نسبت به سال قبل ۱۱ برابر شد و فشار حتی به دارندگان برخی مدارک شناسایی افغان هم رسید. از نگاه کابل و بسیاری از افغان‌ها، پاکستان دیگر پناهگاه قدیمی نیست؛ همسایه‌ای است که جمعی از آسیب‌پذیرترین مردم را با زور بیرون می‌راند.

در داخل پاکستان اما فضا برعکس شده است. مقام‌های پاکستانی مدام می‌گویند برخی تروریست‌ها میان جمعیت پناه‌جویان پنهان می‌شوند، جوامع افغان به تحریک طالبان پاکستان و حتی داعش خراسان پناه می‌دهند و پاکستان بهای سنگینی برای دهه‌ها میزبانی پرداخته است. همین سخت‌ترشدن نگاه عمومی در هر دو کشور، راه دیپلماسی را باریک‌تر کرده است؛ در افغانستان، تصاویر اخراج و آزار پناه‌جویان نفرت عمومی از پاکستان را بیشتر کرده و در پاکستان، حملات شبه‌نظامیان و فشار اقتصادی، همدلی با افغان‌ها را پایین آورده است. بنابراین پرونده پناه‌جویان فقط یک موضوع انسانی نیست؛ بخشی از همان زنجیره امنیت، مرز و بی‌اعتمادی است. خشونت مرزی فقط هزینه نظامی ندارد؛ دادوستد را هم خفه می‌کند. افغانستان کشوری محصور در خشکی است و به مسیرهای تجاری پاکستان، به‌ویژه بندر کراچی و گذرگاه‌های تورخم و چمن، وابستگی بالایی دارد. هر بار که درگیری بالا می‌گیرد، این مسیرها بسته یا محدود می‌شوند و جریان کالا، سوخت و تردد مردم ضربه می‌خورد. از ۲۰۲۱ به این سو، کسب‌وکارهای افغان با بسته‌شدن‌های تکراری، تأخیرهای سلیقه‌ای و قواعد تازه پاکستان در حوزه ترانزیت و بانکداری روبه‌رو بوده‌اند. پاکستان هم در طرف مقابل از قاچاق، اتلاف مالیاتی و ریسک امنیتی مسیرهای تجاری شکایت دارد.

پشت این بحران دوجانبه، رقابت منطقه‌ای هم خوابیده است. مقام‌های پاکستانی به‌طور فزاینده ادعا می‌کنند افغانستان دارد به یک جریان «نیابتی هند» تبدیل می‌شود و به حضور دیپلماتیک هند در کابل و اتهام حمایت پنهان از شورشیان در بلوچستان و مناطق قبیله‌ای اشاره می‌کنند؛ اتهاماتی که هم دهلی نو و هم طالبان رد کرده‌اند. برای اسلام‌آباد، بدترین سناریو این است که از شرق با هند و از غرب با افغانستانی با رویکرد خصمانه و نزدیک به هند مواجه شود. برای طالبان، نزدیکی به هند و دیگر بازیگران منطقه‌ای یک راه کاهش وابستگی به پاکستان و گرفتن اهرم دیپلماتیک بیشتر است. همین‌جا یک دور باطل کلاسیک شکل می‌گیرد: هر طرف اقدام خود را دفاعی می‌بیند و اقدام طرف مقابل را محاصره و خیانت.

**منبع: National Interest**

### جنگ خاورمیانه و فشار مستقیم بر ذخایر رهگیرهای پاتریوت

# سود پنهان مسکو از جنگ ایران

**شرق:** در روزهای نخست بزرگ‌ترین رویارویی نظامی آمریکا در دهه‌های اخیر، یکی از برندگان اصلی که در جنگ حضوری مستقیم ندارد، روسیه است؛ موشک‌های ایرانی همان رهگیرهای پاتریوتی را مشغول می‌کند که اوکراین برای زنده‌ماندن در برابر تهاجم مسکو به آنها نیاز دارد. اینجا ماجرا فقط کمبود یک موشک نیست؛ قصه فروریختن این تصور است که غرب می‌تواند هم‌زمان چند جنگ پرمصرف را با زرادخانه‌ای کُند، گران و کم‌تیراژ اداره کند و باز هم در همه جبهه‌ها دست بالا را نگه دارد.

پشت صحنه جنگ تازه آمریکا با ایران، یک جابه‌جایی مهم در توازن راهبردی در حال رخ‌دادن است. آمریکا و کشورهای خلیج فارس در همان روزهای آغازین جنگ، صدها رهگیر برای دفع باران موشک‌ها و پهپادهای ایرانی شلیک کرده‌اند؛ حملاتی که بنا بر گفته دن کین، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، تا چهارشنبه از ۵۰۰ موشک بالستیک و دو هزار پهپاد عبور کرده بود و به گفته او، میزان شلیک آنها در روزهای اخیر کاهش یافته است. در ظاهر، این آتش به خاورمیانه مربوط است؛ در عمل اما هر رهگیری که در این جنگ مصرف می‌شود، از موجودی همان سامانه‌ای کم می‌کند که اوکراین برای دفاع از شهرها، نیروگاه‌ها و زیرساخت‌هایش به آن وابسته است. این مسئله تازه‌ای نیست. حتی پیش از جنگ ایران، گلوگاه تولید در سامانه پاتریوت ذخایر اوکراین را فرسوده کرده بود و متحدان اروپایی را در صف‌های تحویل چندساله نگه می‌داشت. همین کمبودها به روسیه اجازه داده از شکاف‌های دفاع هوایی اوکراین عبور کند، به شبکه برق ضربه بزند و شهرهای اوکراینی را به خاموشی بکشاند. حالا با بازشدن یک جبهه پرمصرف دیگر، این کمبود از یک دردسر مزمن به بحران ساختاری تبدیل شده است؛ بحرانی که مسکو با دقت تماشایش می‌کند و طبعا از آن سود می‌برد.

به نوشته وال‌استریت ژورنال، اعداد بی‌رحم‌تر از هر تحلیل کلی حرف می‌زنند. کل تولید آمریکا از پیشرفته‌ترین رهگیر لاکهید مارتین یعنی PAC-3 در سال ۲۰۲۵ فقط کمی بیش از ۶۰۰ فروند بوده است. این در حالی است که برای سرنگونی یک موشک بالستیک، معمولا دست‌کم دو رهگیر لازم است و اگر آن دو به هدف نخورند، گاهی رهگیر سوم یا بیشتر هم شلیک می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، زنجیره مصرف، چند برابر سریع‌تر از زنجیره تولید حرکت می‌کند؛ درست مثل اینکه با سطل آب بخواهی انبار نفت را خاموش کنی.

ولودیمیر زلنسکی این موضوع را بی‌پرده توصیف کرده و گفته این رهگیرها برای اوکراین «مسئله مرگ و زندگی» است. از نگاه نیروی هوایی اوکراین نیز تهدید اصلی، حملات موشک‌های بالستیک روسیه است و تنها پاسخ مؤثر به آن، پاتریوت. برآوردهای اوکراینی و غربی می‌گوید روسیه اکنون توان تولید حدود ۸۰ موشک بالستیک در ماه را دارد. در برابر این فشار، نیروی هوایی اوکراین تخمین می‌زند برای مقابله با این حملات روسیه، هر ماه دست‌کم به ۶۰ رهگیر PAC-3 نیاز دارد. این عدد، فقط برای زنده‌ماندن است؛ نه برای ساختن یک سپر راحت و مطمئن.

همین‌جا بحران ناتو عریان می‌شود. بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، در فوریه از شرکای اروپایی خواست برای تأمین این نیاز به اوکراین موشک بدهند، اما تا لحظه تنظیم این گزارش فقط پنج موشک به‌طور قطعی تعهد شده است؛ آن‌هم از سوی آلمان. این یعنی حتی درون ناتو هم انبارها آن‌قدر ته کشیده که درخواست ۶۰ رهگیر در ماه، بیشتر شبیه آرزو به نظر می‌رسد تا برنامه. کمبود رهگیر فقط میدان جنگ را سخت نمی‌کند، بلکه حتی گفت‌وگوهای صلح را هم تهدید می‌کند؛ چون بخشی از تضمین‌های امنیتی غرب برای اوکراین به تقویت دفاع هوایی کی‌یف گره خورده است. وقتی سپر هوا خالی باشد، تضمین هم لاغر می‌شود.

#### ۶۰ رهگیر برای کی‌یف

اهمیت پاتریوت فقط در کمیابی‌اش نیست؛ در این است که طی چهار سال جنگ، به استاندارد طلایی دفاع هوایی غرب در اوکراین تبدیل شده. این سامانه به دلیل پراکندگی اجزایش در یک محدوده بزرگ، به‌سختی نابود می‌شود و اپراتورهای اوکراینی حتی با آن موفق شده‌اند برخی موشک‌های هایپرسونیک روسیه را به‌ویژه در فاز فرود، شکار کنند؛ موفقیتی که برای بخشی از تحلیلگران دفاعی هم غافلگیرکننده بود. برای همین، هر سوراخی در موجودی پاتریوت، فقط یک عدد کمتر در انبار نیست؛ یک شکاف مستقیم در مؤثرترین لایه دفاع هوایی اوکراین است.

در همین حال، روسیه فقط با موشک بالستیک فشار نمی‌آورد؛ مسکو روزانه صدها پهپاد شاهدگونه را هم شلیک می‌کند؛ همان خانواده‌ای که ریشه‌اش در ایران است و روسیه پس از توافق انتقال فناوری در سال ۲۰۲۳ توانسته آن را به‌صورت انبوه تولید کند. این هم‌افزایی روسی-ایرانی، تصویر را تلخ‌تر می‌کند: در یک جبهه، موشک‌ها و پهپادهای ایران ذخایر رهگیر غرب را می‌سوزانند و در جبهه دیگر، روسیه با موشک و شاهد، از همین فرسودگی بهره می‌گیرد. این دیگر فقط هم‌زمانی دو بحران نیست؛ نوعی پیوند عملیاتی میان آنهاست، حتی اگر در دو میدان متفاوت رخ دهد.

دونالد ترامپ و مارکو روبیو هم این فشار را پنهان نکرده‌اند. روبیو گفته آمریکا فقط «شش یا هفت» رهگیر در ماه تولید می‌کند، در حالی که ایران در همان بازه بیش از صد موشک می‌سازد. ممکن است این عدد با برآوردهای دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد، اما پیام سیاسی آن روشن است: غرب با آهنگ تولید دشمنانش همخوان نیست. از آن سو، آلمان که بزرگ‌ترین حامی اروپایی اوکراین است، در سال ۲۰۲۴ هشت سامانه جدید پاتریوت به ارزش تقریبی هرکدام دو میلیارد یورو سفارش داده، اما هنوز حتی زمان تحویل موقت هم نگرفته است. برلین هم بخش بزرگی از سامانه‌های عملیاتی‌اش را به اوکراین و جناح شرقی ناتو منتقل کرده و خود آلمان به اذعان مقام‌هایش، در برابر حملات هوایی، نازک‌پوش‌تر شده است.

#### وعده دیرهنگام

لاکهید مارتین می‌گوید می‌خواهد تولید سالانه این رهگیرها را تا پایان ۲۰۳۰ به دو هزار فروند برساند و حتی در فکر کنارگذاشتن تأمین‌کنندگان ضعیف‌تر و یافتن سازندگان جایگزین برای قطعات پیچیده‌تر است. آلمان هم در ۲۰۲۴ شرکت MBDA را تشویق کرد که با همکاری ریتیون، تولید مشترک رهگیر پاتریوت را در باواریا راه بیندازد. این شرکت گفته کشورهای ناتو هزار موشک سفارش داده‌اند و تحویل‌ها از اوایل سال آینده شروع می‌شود و خود شرکت هم پیشاپیش ۵۰۰ میلیون یورو برای توسعه ظرفیت کنار گذاشته است. همه اینها خوب است، اما یک ایراد چاق‌وچله دارد: زمان. جنگ اوکراین و بحران خاورمیانه با تقویم ۲۰۳۰ نمی‌جنگند؛ با موجودی امروز می‌جنگند.

مایکل کوفمن، نیکو لانگه، فابیان هوفمان و دیگر تحلیلگرانی که وال‌استریت ژورنال با آنها گفت‌وگو کرده است، در یک نقطه با هم هم‌نظر هستند: آمریکا و اروپا با تأخیر در گسترش تولید دفاع هوایی زمینی، اشتباه راهبردی بزرگی مرتکب شدند. هوفمان ریشه بخشی از مشکل را در بی‌میلی صنعت برای سرمایه‌گذاری سنگین بدون قراردادهای بلندمدت دولتی می‌بیند. لانگه صریح‌تر می‌گوید غرب چهار سال فرصت داشت و آن را از دست داد. حاصل این تأخیر، فقط کمبود موشک نیست؛ ارسال یک پیام خطرناک است: تولیدات غرب کندتر و کم‌تیراژتر از آن است که خودش وانمود می‌کرد.

از دل همین بحران، دکترین نظامی آمریکا هم دارد خودش را تطبیق می‌دهد. به تعبیر پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، هدف این است که به‌جای تیرزدن به هر «پیکان»، خود «تیرانداز» زده شود؛ یعنی انبارها و پرتابگرها پیش از آنکه دفاع متحدان را اشباع کنند، نابود شوند. این منطق از نظر نظامی قابل فهم است، اما یک اعتراف ضمنی هم در دلش دارد: دفاع هوایی به‌تنهایی کافی نیست و اگر دشمنی مثل روسیه بتواند با تولید انبوه پهپادهای ارزان و موشک‌های بالستیک ارزان‌تر از رهگیرهای چندمیلیون‌دلاری فشار بیاورد، غرب در مسابقه فرسایش بازنده می‌شود. درست همین‌جاست که روسیه، بدون آنکه حتی یک گلوله در جنگ ایران شلیک کرده باشد، از آتش آن جنگ سود می‌برد.

گزارش

## سازمان ملل خواستار مذاکره لبنان و اسرائیل

هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل در لبنان خواستار آغاز گفت‌وگو میان لبنان و اسرائیل برای پایان‌دادن به درگیری‌هایی شد که از روز دوشنبه میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله لبنان جریان دارد. هنیس پلاسخارت در بیانیه‌ای گفت مذاکرات میان لبنان و اسرائیل می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای باشد که به نسل‌های آینده کمک کند دیگر بارها «همان کابوس» را تجربه نکنند. او هشدار داد با وجود وخامت وضعیت کنونی، خطر تشدید بیشتر بحران وجود دارد و افزود: «افراد بسیار زیادی در معرض رنج و آسیب قرار دارند و درگیری‌ها باید متوقف شود». این درخواست در حالی مطرح شده که درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله در روزهای اخیر شدت گرفته است. ارتش اسرائیل اعلام کرده اهدافی متعلق به حزب‌الله را در جنوب و شرق لبنان هدف قرار داده و در جریان این حملات چند فرمانده این گروه کشته شده‌اند. به گفته ارتش اسرائیل، مراکزی ازجمله سکوی پرتاب موشک، انبارهای تسلیحاتی و پایگاه‌های نظامی حزب‌الله در مناطق مختلف جنوب لبنان و دره بقاع هدف قرار گرفته‌اند. در همین حال، گزارش‌هایی نیز از درگیری‌های میدانی در شرق لبنان منتشر شده است. حزب‌الله اعلام کرده نیروهایش با نظامیان اسرائیلی که شبانه به شهر نبی‌شیت نفوذ کرده بودند، درگیر شده‌اند. به گفته این گروه، چهار بالگرد ارتش اسرائیل از سمت سوریه وارد منطقه شد و نیروهایی که از بالگردها پیاده شدند، زمانی که به قبرستانی در شهر نبی‌شیت رسیدند، با گروهی از نیروهای حزب‌الله درگیر شدند. مقام‌های لبنانی نیز گفته‌اند در حملات اسرائیل به شرق لبنان دست‌کم ۱۶ نفر کشته و ۳۵ نفر زخمی شده‌اند. به گزارش خبرگزاری ملی لبنان، شهر نبی‌شیت به‌تنهایی دست‌کم ۱۳ بار هدف حمله قرار گرفته است. یکی از مقام‌های حزب‌الله در منطقه بقاع، جایی که نبی‌شیت در آن قرار دارد، به خبرگزاری فرانسه گفت قبرستانی که نیروهای اسرائیلی به آن یورش بردند متعلق به خانواده شُکر بوده است. ماه گذشته مقام‌های لبنانی چهار نفر را به ربودن احمد شُکر متهم کردند؛ فردی که برادرش، حسن شُکر، به دست داشتن در اسارت رون آراد، خلبان مفقودشده نیروی هوایی ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۶ مظنون است. گفته می‌شود رون آراد جان خود را از دست داده است، هرچند پیکر او هرگز بازگردانده نشد.

### هم‌زمان با جنگی جدید در خاورمیانه

## چین کنترل صادرات مواد راهبردی را تشدید می‌کند

چین در اقدامی که به گفته برخی افراد مطلع شبیه «اقدامات زمان جنگ» است، صادرات فراورده‌های نفتی و دیگر مواد راهبردی را کاهش داده و این اقدام ممکن است به‌طور غیرمستقیم به نفع متحدان پکن باشد. یک مقام بخش تجارت خارجی چین که با سیاست‌های واردات و صادرات آشناست، می‌گوید در پی بروز جنگ در خاورمیانه، پکن به شرکت‌های داخلی دستور داده است کنترل صادرات مواد راهبردی را تشدید کنند. این مواد شامل پهپادهای تاکتیکی، عناصر کمیاب معدنی و فراورده‌های پالایش‌شده نفتی هستند. این منبع، که به دلیل نگرانی از پیامدهای احتمالی با نام مستعار «هوانگ جوگوانگ» صحبت کرده است، گفت برخی شرکت‌های فناوری و شرکت‌های بازرگانی هم‌اکنون اطلاعیه‌های شفاهی دریافت کرده‌اند که آنها را ملزم می‌کند قراردادهای صادراتی را دوباره بررسی کنند و برای قراردادهایی که با «مناطق حساس» مرتبط هستند، روندهای سخت‌گیرانه‌تری برای تأیید در نظر بگیرند. پکن و تهران سال‌ها روابط دوستانه‌ای داشته‌اند. در چارچوب توافق «مشارکت راهبردی جامع» ۲۵ساله که دو کشور در سال ۲۰۲۱ امضا کردند، چین متعهد شد ۴۰۰ میلیارد دلار در بخش‌هایی مانند مخابرات، بانکداری، بنادر و دیگر زیرساخت‌های ایران سرمایه‌گذاری کند. در مقابل، ایران نیز متعهد شد جریان صادرات نفت خود به چین را حفظ کند. براساس داده‌های شرکت تحلیلی کالا «کپلر» که حمل‌ونقل جهانی را رصد می‌کند، چین در سال ۲۰۲۵ به‌طور میانگین روزانه ۱.۵ میلیون بشکه نفت خام از ایران وارد کرده است. این مقدار حدود ۱۲ درصد از کل واردات نفت خام چین و حدود ۹۰ درصد از صادرات نفت ایران را تشکیل می‌دهد. گفته می‌شود بخش زیادی از این نفت که تحت تحریم‌های شدید قرار دارد، برای پنهان‌کردن منشأ آن با برچسب‌های نادرست عرضه شده است. پکن تاکنون گزارش‌هایی را که می‌گویند صادرات فراورده‌های نفتی پالایش‌شده را متوقف یا محدود کرده، تأیید یا رد نکرده است. در نشست خبری اخیر، سخنگوی وزارت امور خارجه چین گفت از چنین اقداماتی «اطلاعی ندارد». هوانگ گفت اقداماتی از این دست معمولا به‌صورت عمومی اعلام نمی‌شوند و در عوض از طریق نهادهای تنظیم‌گر صنعتی یا کانال‌های شرکت‌های دولتی ابلاغ می‌شوند. او افزود: «از شرکت‌ها خواسته شده است کشورها و مقصدهای صادراتی تجهیزات پهپادی، مواد معدنی کمیاب و برخی محصولات انرژی را دوباره طبقه‌بندی و بازشماری کنند. اما در نهایت گمرک آخرین مرجع تصمیم‌گیری خواهد بود». پهپادهای تاکتیکی و اجزای اصلی آنها به دلیل استفاده گسترده در جنگ‌هایی مانند اوکراین، به کالاهایی بسیار پرتقاضا تبدیل شده‌اند. در همین حال، عناصر کمیاب و مواد معدنی کمیاب نیز مواد اولیه حیاتی برای موشک‌ها، سامانه‌های راداری، تجهیزات الکترونیکی و تسلیحات هدایت‌شونده دقیق به شمار می‌روند. هوانگ گفت: «اگر این منابع تحت کنترل صادرات قرار بگیرند، ممکن است زنجیره تأمین تجهیزات نظامی در مناطق مرتبط تحت تأثیر قرار گیرد». به نوشته اپک‌تایمز، منبع دیگری در صنعت تجارت خارجی چین که فقط با نام خانوادگی «مو» صحبت کرده و او نیز به دلیل نگرانی از پیامدها خواست نام کاملش فاش نشود، گفت این دستورالعمل نشان‌دهنده تمایل پکن به حمایت از تهران در درگیری جاری با ایالات متحده و اسرائیل است.

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۷۹۰۹ مورخ ۱۴۰۴.۱۱.۱۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم مریم ملکی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۲۹۶ صادره از شهرری در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۵۵.۹۶ متر مربع پلاک ۴۰۰۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۵۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای کاظم زندیه محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۱۷۶۳۲ رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۷۷۱۴ مورخ ۱۴۰۴.۱۰.۲۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد کمیجانی فرزند اسماعیل بشماره شناسنامه ۵۵۳۹ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۹۸.۷۳ متر مربع پلاک ۱۲۶۲ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای بهمن میرزا فرمانفرمائیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۷۶۳۴ رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۸۱۴۶ مورخ ۱۴۰۴.۱۱.۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا مهر آوران فرزند حسینعلی بشماره شناسنامه ۶ صادره از رشتخوار در به مساحت ۱۷.۷۱ متر مربع پلاک ۱۴۰۶ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای پرویز زندیه محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۷۶۳۳ رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب کتایون زندی** فرزند حمیدرضا به شماره شناسنامه ۰۰۱۱۹۹۱۸۴۴ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی کمیجان - به شماره ثبت سازمان مرکزی ۰۵۳۱۱۴۰۱۰ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۴ صادر گردیده است فاقد اعتبار می باشد. لذا از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کمیجان به نشانی ذیل ارسال نماید.
کمیجان: میدان دانشگاه - بلوار دانشجو - دانشگاه آزاد اسلامی کمیجان کد پستی ۳۸۵۱۹-۸۳۷۸۸ معاونت دانشجویی و فرهنگی - اداره فارغ التحصیلان

مدرک فارغ التحصیلی و ریز نمرات **اینجانب ندا اقازاده** فرزند علی به شماره شناسنامه ۰۴۱۱۳۸۸۸۰۰ صادره از ورامین در مقطع کاردانی پیوسته رشته گرافیک-گرافیک صادره از واحد دانشگاهی اموزشکده فنی و حرفه ای دختران تهران ولیعصر با شماره ۵۸۵۱/۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه فنی و حرفه ای دختران تهران ولیعصر واحد فارغ التحصیلان به نشانی تهران، کیانشهر، میدان امام رضا، خیابان ال ابراهیم ارسال نماید.

**اداره کل ثبت اسناد واملاک استان کرمانشاه**
**اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی**
**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**
برابر آراء شماره های هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای تورج کریمی فرزند هیبت اله در شش دانگ شش قطعه زمین مزروعی به مساحت های ۷۵۱۵.۵۴ و ۱۱۰۹۰ و ۲۷۵۵.۸۷ و ۲۱۷۴۴.۶۴ و ۱۷۰۳۱.۸۱ و ۱۲۹۸۳.۳۳ مترمربع در پلاک ۳۰۹ اصلی میلکه باقر واقع در بخش سه حومه خریداری از مالک رسمی آقایان هیبت اله کریمی و علی اصغر باباخانی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
۸۱۲۴/م الف/۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷
فرشاد نادری
رئیس ثبت اسناد واملاک ۷۴۱۸